

## بررسی صبر از منظر قرآن

عاطفه حاجی حسینی<sup>۱</sup>

چکیده

پژوهش حاضر به بررسی صبر از منظر قرآن کریم با تکیه بر قرآن و تفاسیر و روایات می‌پردازد. بی‌شک بیان آن می‌تواند الگوی تمام‌نمایی برای انسان‌ها در راه تحمل مشکلات و نابسامانی‌های زندگی روزمره و رشد و تعالی در مسیر حق و رسیدن به کمال باشد. روش پژوهش حاضر، توصیفی - تحلیلی مبتنی بر مطالعات دینی است که اطلاعات مورد نیاز با استفاده از روش کتابخانه‌ای و اسنادی جمع‌آوری گردیده است. این پژوهش به این نتیجه رسیده است که صفت صبر از فضائل اخلاقی و از مهم‌ترین وسایل پیمودن مدارج کمال مادی و معنوی هستند و توفیق یافتن در هر کاری، رسیدن به مقاصد خویش در زندگی، سیر به سوی اهداف تربیتی، در گرو استقامت‌ورزیدن است و هدایت و سعادت انسان بدون این صفت اخلاقی میسر نمی‌گردد.

واژگان کلیدی: بررسی، صبر، قرآن

مقدمه

انسان موجودی است اجتماعی که برای شکوفایی توانایی‌ها و رفع نیازمندی‌های خود ناگزیر باید در جامعه زندگی

---

۱. طلبه سطح سه، مؤسسه آموزش عالی امام حسین (علیه السلام) یزد

کند چرا که رشد و تکامل و ترقی او در زمینه‌های فردی و اجتماعی بسته به گذران زندگی در اجتماع است. انسان هر قدر که با استعداد و نیرومند باشد به دور از جامعه نمی‌تواند به رشد و کمال لازم خویش نایل گردد. حتی بسیاری از ویژگی‌های اخلاق مربوط به قوه نفسانی مثل زهد و تقوا و صبر و پارسایی و توانایی داشتن وحدت با دیگران در ظرف اجتماع و برخورد با دیگران بیشتر قابل ترقی و تکامل است تا زیستن در گوشه تنهایی. انسان با صبوری کردن می‌تواند در راه خدا و در برابر معاصی و مصائب و مشکلات زندگی استقامت داشته باشد و زندگی آرام و خداپسندی را هم برای خود و هم برای دیگران بسازد.

قرآن پیوند بین دلهای مؤمنان را نوعی تصرف الهی می‌داند، به طوری که برای برقراری این یگانگی، تدابیر گوناگونی را پیش‌بینی کرده است. داشتن این فضائل هم باعث پیشرفت و سربلندی در امور دنیا می‌شود و هم باعث سیر و سلوک در راه خدا و آخرت. از این رو باید هر شخص، ناظر بر اعمال و رفتار خود باشد و سعی در رشد و پیشرفت خود داشته باشد و فضائل اخلاقی را در خود تقویت کند و رذائل را از خود دور سازد.

طبیعی است که زندگی اجتماعی شرایط خاص خود را دارد و برای ساماندهی رفتارهای فردی و گروهی افراد موجود در اجتماع می‌بایست قوانین و مقرراتی وضع گردد که براساس آن از بروز هرگونه هرج و مرج و بی‌نظمی در جامعه جلوگیری شود. توصیه‌ها و دستورالعمل‌های اخلاقی اسلام که به شکل غیررسمی وضع و به عموم مردم ارائه می‌گردند، از این قبیل مقرراتند. دستوراتی که تأثیر آن‌ها در اصلاح رفتار و تربیت افراد جامعه و همچنین برقراری نظم و انضباط اجتماعی، به مراتب بیشتر و عمیق‌تر از قوانین رسمی کشورهای دینی است. مردم به خاطر عقیده‌ای که در گذشته و حال نسبت به علمای دین و قوانین اخلاقی اسلام داشته و دارند گفتار ایشان را با جان و دل می‌پذیرند و بدان عمل می‌کنند.

## معنای لغوی صبر

صبر در لغت به معنای حبس و بازداشتن است. هرگاه کسی خویشتن را از فعلی اختیاری باز دارد صبر کرده است. (دهخدا، ۱۳۷۱) و در لغت عرب: به معنای حبس و در تنگنا و محدودیت قرار دادن است. (الحسینی واسطی زبیدی، ج ۷، بی تا: ۷۱) صبر = مص. [ع] (ص-ب). شکیبیدن، شکیبایی، بردباری، مقاومت. (عمید، ۱۳۸۴)

## معنای اصطلاحی صبر

- خویشتنداری بر چیزی که عقل و شرح آن را نهی کرده است. (قریشی، ۱۳۷۸، ج ۳ و ۴: ۸۵)
- ثبات و استقامت نفس و مضطرب شدن آن به هنگام رویدادهای سخت (قمی، ۱۳۷۰)
- خودداری کردن در هنگام فشار و تنگی. (محمدی، ۱۳۸۱)

صبر عبارت است از ثبات انگیزه دین در مقابل شهوت. (فتحعلی خانی، ۱۳۷۹: ۳۵۹)

صبر را در معنای عام آن می‌توان این گونه تعریف کرد: باز داشتن خود را از عملی که مانع رسیدن به هدف و یا موجب تأخیر در رسیدن به هدف می‌شود.

صبر در این معنا، خود به خود فضیلتی اخلاقی نیست، بلکه مقاومتی است که ناشی از تسلط فرد بر خویشتن است. این مقاومت در صورتی از لحاظ اخلاقی فضیلت خواهد بود که هدف شخص صابر، کمال اخلاقی و تقرب به خداوند باشد و صبر در برابر چیزی صورت گیرد که با کمال اخلاقی و تقرب خداوند در تعارض و تقابل باشد. ارزش اخلاقی صبر بسته به هدفی است که صبر به منظور آن صورت می‌گیرد. در مبحث «روابط نسان با خداوند، مقصود از صبر، نوعی مقاومت در برابر عواملی است که رابطه انسان با خدا را سست می‌کنند و او را از دایره ایمان به لحاظ نظری یا عملی خارج می‌سازند. (فتحعلی خانی، ۱۳۷۹: ۱۲۰)

صبر عبارت است از: ثبات نفس و اطمینان آن، و مضطرب نگشتن آن در بلایا و مصائب، و مقاومت کردن با حوادث و شداید، به نحوی که: سینه او تنگ نشود. و خاطر او پریشان نگردد و گشادگی و طمانینه که پیش از حدوث آن واقعه است زوال نپذیرد. پس زبان خود را از شکایت

نگاهدارد و اعضای خود را از حرکات ناهنجار محافظت کند و این صبر در شدايد است که ضد آن جزع است. (قمی، ۱۳۷۰: ۲۳۰)

چیزی که هست معنای صبر این نیست که انسان خود را آماده هر مصیبتی نموده صورت خود را بگیرد تا هرکس خواست سیلیش بزند، نه، معنای صبر - که یکی از فضایل است - این نیست که آدمی چون زمین مرده زیر دست و پای دیگران بیفتد مردم او را لگدکوب کنند، و مانند سنگ دم پا بازیچه اش قرار دهند، زیرا خدای سبحان آدمی را طوری خلق کرده که به حکم فطرتش خود را موظف می‌داند هر مکروهی را از خود دفع نماید، و خدا هم او را به وسائل و ابزار دفاع مسلح نموده تا به قدر توانائیش از آنها استفاده کند، و چیزی را که این غریزه را باطل و عاطل سازد نمی‌توان فضیلت نام نهاد. بلکه صبر عبارت است از اینکه انسان در قلب خود استقامتی داشته باشد که بتواند کنترل نظام نفس خود را - که استقامت امر حیات انسانی و جلوگیری از اختلال آن بستگی به آن نظام دارد - در دست گرفته، دل خود را از تفرقه و نسیان تدبیر و خبط فکر و فساد رای جلوگیری کند. پس صابران آن‌هایی هستند که در مصائب استقامت به خرج داده و از پا در نمی‌آیند، و هجوم رنج‌ها و سختی‌ها پایشان را نمی‌لغزاند، به خلاف غیر صابران که در اولین برخورد با ناملایمات قصد هزیمت می‌کنند و آنچنان فرار می‌کنند که پشت سر خود را هم نگاه نمی‌کنند (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۱: ۳۳۳)

خواجه نصیر الدین طوسی (رحمه الله) در معنای صبر می‌فرماید: «صبر، بازداشتن نفس از بی‌تابی در برابر ناملایمات و مصایب است. صبر باطن را از اضطراب و زبان را از شکایت و اعضا و جوارح را از حرکات غیرعادی باز می‌دارد.» (انصاریان، ۱۳۸۶: ۱۴۷)

صبر مقاومت نفس در برابر هواست. به عبارت دیگر صبر پایداری انگیزه دینی در برابر انگیزه‌های مخالف است انگیزه عاملی است که فاعل مختار را تحریک به انجام فعلی می‌کند. بعضی افعال به انسان کمک می‌کنند تا به کمال اخلاقی و قرب خداوند نایل شود و برخی مانع و مزاحم کمال او هستند. پس باید از افعالی که مزاحم کمال ما هستند خودداری کنیم و به عبارت دیگر، در

برابر انگیزه‌های این‌گونه افعال مقاومت نماییم؛ یعنی صبر کنیم. (فتح‌علی خانی، ۱۳۷۹: ۱۲۲)

#### صبر

شکیبایی و صبر در آنچه که قرآن و روایات نسبت به آن دستور داده‌اند، مسأله‌ای الهی و اخلاقی و انسانی است و امری است محبوب حق و سزاوار اجر بزرگ و ثواب عظیم

- صبر، عامل حفظ دین و نگاهبان انسان از بی‌میل شدن به حق و حقیقت و عامل تقویت روح و روان و حافظ انسان از افتادن در دام شیاطین جنی و انسی است.

#### تعریف صبر

واژه صبر و مشتقات آن در قرآن کریم ۱۰۳ مرتبه در ۹۳ آیه در ۴۵ سوره به کار رفته است و دارای معناهای نزدیک به هم می‌باشد. مثلاً در آیه‌ای از سوره کهف «صبر» به معنای (خود را نگه داشتن و خود را بازداشتن به کار رفته است.) که خداوند می‌فرماید: «وَاصْبِرْ نَفْسَکَ مَعَ الَّذِینَ یَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ یُرِیدُونَ وَجْهَهُ وَلَا تَعْدُ عَینُکَ عَنْهُمْ...»؛ (کهف: ۲۸) «خودت را نگاه دار، و خویشتن را از نگریستن به آنچه دلبستگی را نشاید باز دار.»

در جای دیگر صبر به معنای استقامت و سعه صدر به کار رفته است. «فَاصْبِرْ کَمَا صَبَرَ أَوَّلُو الْعَزْمِ مِنَ الرُّسُلِ وَلَا تَسْتَعْجِلْ لَهُمْ»؛ (احقاف: ۳۵) «صبر همان سعه صدر و استقامت در راه حق می‌باشد.»

همچنین در سوره طه می‌فرماید: «وَاصْبِرْ لِحُکْمِ رَبِّکَ فَإِنَّکَ بِأَعْیُنِنَا»؛ (طور: ۴۸) «باری، ای رسول بر حکم خدا استقامت کن که تو منظور نظر منم.»

نقطه مقابل صبر «جزع» است. در آیه‌ای از سوره ابراهیم می‌خوانیم: «...سَوَاءٌ عَلَیْنَا أَمْزِغْنَا أَمْ صَبَرْنَا مَا لَنَا مِنْ مَّحِیمٍ»؛ (ابراهیم: ۲۱) «که این زبان حال اهل دوزخ است که می‌گویند: امروز دیگر فرقی ندارد که چه بی‌تابی (جزع) کنیم و چه شکیبایی (صبر)، راه رهایی نداریم.»

به عبارت دقیق‌تر، می‌توان گفت: واژه صبر در قرآن به طور جامع یعنی: اینکه انسان آنچه را که برایش

که به واسطه صبر، ظفر می‌آید. «الصبر الظفر: صبر مساوی با پیروزی است.» (تمیمی آمدی، ۱۳۸۰: ج ۹، ۹۸)

در آیات قرآن هم شرط مهم پیروزی مجاهدان راه خدا را صبر و شکیبایی شمرده است: «إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عِشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتَيْنِ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ يَغْلِبُوا أَلْفًا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا»؛ (انفال: ۶۵) «هرگاه بیست نفر صبور و با استقامت از ما باشد، بر دویست نفر غلبه می‌کنند و اگر یکصد نفر باشند بر هزار نفر از کافران پیروز می‌گردند.»

چه نیرویی است که یک نفر را توانایی مقابله با ده نفر و صد نفر را توانایی مقابله با ده هزار نفر را می‌دهد. این نیرو همان صبر و استقامت است که در آیه به آن تصریح شده است.

افراد سست اراده و کم حوصله و کم استقامت، بسیار زود از میدان حوادث می‌گریزند، یا در برابر حجم مشکلات زانو می‌زنند. نه دنیا را بدون صبر و استقامت به انسان می‌دهند و نه آخرت را، به همین دلیل، اقوام و ملت‌هایی در جهان پیشرفت دارند که استقامت بیشتری داشته باشند.

در حالات علمای بزرگ- اعم از شخصیت‌های والای مذهبی که درهای علوم را گشودند یا دانشمندان علوم دیگر که به اختراعات و اکتشافات بزرگی نایل شدند. چیزی که بیش از هر چیز دیگر می‌درخشد، صبر و استقامت آن‌ها است. گاهی یک دانشمند، برای کشف یک قانون علمی، ناچار است چند سال در کتابخانه یا آزمایشگاه خود بماند تا موفق به کشف آن شود.

حدیثی از امام علی {نقل شده است: «مَنْ رَكِبَ مَرَائِبَ الصَّبْرِ اهْتَدَى إِلَى مَيْدَانِ النُّصْرِ»؛ (کراجکی، بی تا: ۵۸) «کسی که بر مرکب صبر و شکیبایی سوار شود، به میدان پیروزی پای می‌نهد.»

باز از همان امام بزرگوار آمده است که «مِفْتَاحُ الظَّفَرِ لُزُومُ الصَّبْرِ»؛ (تمیمی آمدی، همان: ج ۹، ۹۸) «کلید پیروزی، داشتن صبر و شکیبایی است.»

از سوی دیگر، افراد کم صبر و استقامت، بسیار زود آلوده انواع گناه می‌شوند، زیرا گناه، جاذبه‌های

نیرومندی برای نفس سرکش انسانی دارد و اگر مقاومت شدیدی در انسان نباشد، ایستادگی در برابر آن جاذبه‌ها ممکن نیست.

امام صادق { می‌فرمایند: «كَمْ مِنْ صَبْرٍ سَاعَةٍ قَدْ أُورِثَتْ فَرَحًا طَوِيلًا وَكَمْ مِنْ لَذَّةٍ سَاعَةٍ قَدْ أُورِثَتْ حُزْنًا طَوِيلًا»؛ (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۶۸: ۱۹، ح ۴۵) «بسیار اتفاق افتاده که يك ساعت صبر و شکیبایی، سبب شادی طولانی شده است، و چه بسیار لذت کوتاهی در يك ساعت، غم و اندوه طولانی به بار آورده است.»

ممکن است در طول زندگی، انسان گرفتار خسارت‌ها و زیان‌های مادی، اجتماعی و یا معنوی شود؛ مثلاً در مورد مرگ نزدیکان باید گفت: چنان نیست که دوستان و خویشاوندان همه با هم متولد شوند و همه با هم بمیرند، بعضی زودتر و بعضی دیرتر، چشم از جهان می‌پوشند، آن‌ها که زودتر می‌روند، بازماندگان را به داغ و فراق خود مبتلا می‌سازند. اگر انسان، صبور نباشد، به زودی سلامت‌ش را از دست می‌دهد، از همه چیز زندگی مأیوس گشته و دست او از کار می‌ماند.

آری! این صبر است که با وجود تمام این حوادث ناگوار، به روح و قلب انسان توانایی ادامه حیات را می‌دهد.

خلاصه اینکه درباره اهمیت صبر و نقش آن در پیشبرد دین و دنیا، هرچه بیان شود کم است. به همین دلیل، تعبیرات بسیار بالایی را که در روایات اسلامی درباره پاداش صابران آمده است، نباید مبالغه پنداشت: در روایتی امام باقر { می‌فرمایند: «أَنَّ مَنْ صَبَرَ نَالَ بِصَبْرِهِ دَرَجَةَ الصَّائِمِ الْقَائِمِ، وَ دَرَجَةَ الشَّهِيدِ الَّذِي ضَرَبَ بِسَيْفِهِ قُدَّامَ مُحَمَّدٍ،»؛ (حرعاملی، ۱۴۱۶، ج ۱۱: ۲۰۹، ح ۵) «هر کس صبر و شکیبایی کند، به خاطر آن به مقام روزه‌داران شب‌زنده‌دار می‌رسد و درجه شهیدی را که در پیشاپیش پیغمبر اکرم، با شمشیر به دفاع پرداخته و شربت شهادت نوشیده است، را به دست می‌آورد.»

نتیجه‌گیری

ارزش‌های تعیین‌کننده شیوه‌ی عملکرد، مسیر فعالیت‌ها و چگونگی رفتار انسان در نظام‌های آموزشی، خانوادگی و

مذهبی هر جامعه‌ای وجود دارد. صبر به مفهوم، خود را نگه داشتن است در برابر آنچه که مانع رسیدن به هدف است. عامل حفظ دین و تقویت روح و حافظ انسان از افتادن در دام شیطان است.

در قرآن صبر و تقوا را در کنار هم رمز موفقیت انسان می‌داند. چرا که استقامت بدون تقوا در افراد لجوج هم پیدا می‌شود. باید انسان صابر متقی هم باشد تا در برابر مشکلات و سختی‌ها پیروز شود. همچنین خداوند می‌فرماید: انسان‌ها باید از زمان آدم { تا یوم القیامه بر یک صراط و شریعت باقی بمانند یعنی صراط مستقیم الهی، و تمام امت واحده هستند البته در کنار آن باید متقی هم باشند تا از اختلاف و تفرقه بین انسان‌ها جلوگیری شده و از کفر و ضلالت در امان بمانند.

پس با توجه به آیات قرآن کریم، روایت ائمه [ و تفاسیر قرآن می‌توان به این شیعه رسید که داشتن صبر، نقش بسیار مهمی در آرامش افراد، داشتن یک جامعه سالم و کاهش اضطراب دارد.

در نتیجه در عصر حاضر با توجه به تهدیدهای روبه فزون برای جامعه اسلامی صبر به عنوان ابزار در هم شکننده‌ی تهدیدها باید در سبک زندگی مسلمانان نهادینه شود.

## فهرست منابع و مآخذ

\* قرآن کریم

\* نهج البلاغه

۱. انصاريان، حسين، (۱۳۸۶ش)، زيبايي‌هاي اخلاق، قم: دار العرفان.
۲. برازش، عليرضا (۱۳۶۷ش)، مجمع الانوار، تهران: سازمان تبليغات اسلامي
۳. بروجردي، سيد حسين (۱۳۸۰ق)، جامع الاحاديث الشيعه، تهران: مطبعه المساحه.
۴. بلاغي، محمد جواد (بي تا)، تفسير آلاء الرحمن، قم: نشر وجداني.
۵. تميمي آمدي، عبدالواحد بن محمد (۱۳۸۰ش)، غررالحكم و دررالكلم، تهران: نشر فرهنگ اسلامي.
۶. حرعالملي، محمد بن حسن (۱۴۱۶ق)، وسائل الشيعه، قم: مؤسسه آل البيت]
۷. الحسيني واسطي زبيدي، سيدمحمد مرتضى حسيني (بي تا)، تاج العروس من جواهر القاموس، بيروت: دارالفكر.
۸. خوانساري اصفهاني، آقا جمال (۱۳۸۷ق)، شرح غررالحكم، سيد هاشم رسولي محلاتي، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامي
۹. دهخدا، علي اكبر (۱۳۷۱ش)، لغت نامه دهخدا، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۰. صادقي تهراني، محمد (۱۳۶۵ش)، الفرقان في تفسير القرآن بالقرآن، قم: فرهنگ اسلامي.
۱۱. طباطبائي، سيد محمد حسين (۱۴۱۷ق)، الميزان في تفسير القرآن، قم: جامعه مدرسين حوزه علميه قم.
۱۲. عميد، حسن (۱۳۸۴ش) فرهنگ فارسي عميد، تهران: انتشارات اميركبير.
۱۳. غزالي، محمد بن محمد (بي تا)، ترجمه احياء علوم الدين، بي جا، دارالكتاب العربي.

۱۴. فتحعلي خاني، محمد (۱۳۷۹ش)، آموزه هاي بنيادين علم اخلاق، بي جا، نشر شهريار، چاپ اول.
۱۵. قرائتي، محسن (۱۳۸۳ش)، تفسير نور، تهران: مركز فرهنگي درس هايي از قرآن.
۱۶. قمي، عباس (۱۳۷۰ش)، معراج السعاده، قم: مؤسسه در راه حق
۱۷. كراجكي، (بي تا)، كنزالفوائد، محقق عبدالله نعمه، قم: دارالذخير.
۱۸. كاشاني، فتح الله (۱۳۳۶ش)، منهج الصادقين في الزام المخالفين، تهران: كتابفروشي اسلاميه.
۱۹. كليني، محمد بن يعقوب (۱۳۷۸ق)، اصول كافي، تهران: دارالكتب الاسلاميه.
۲۰. مجلسي، محمد باقر (۱۴۰۴ق)، بحارالانوار، بيروت: منشورات مؤسسه الوفاء.
۲۱. محمدي ري شهري، محمد (بي تا)، ميزان الحكمه، قم: دارالحديث.
۲۲. محمدي، حميد (۱۳۸۱ش)، مفردات قرآن، بي جا، مؤسسه فرهنگي دارالذكر.
۲۳. معين، محمد (۱۳۸۰ش)، فرهنگ فارسي معين، تهران: نشر سرايش.
۲۴. مغنيه، محمد جواد (۱۳۷۸ش)، ترجمه تفسير كاشف، قم: بوستان كتاب قم.
۲۵. جامع الاحاديث نور۲
۲۶. جامع تفاسير نور۲